

The Requirements of Transparency in Proceedings and its Challenges in Iranian Criminal Law

Mohammad Ghadiri¹, Qasem Jafari^{*2}, Mohammad Sadeq Jamshidi Rad³, Akram Abdolapour⁴, Alireza Pourbafrani⁵

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.
5. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 251-264

Article history:

Received: 05 Jun 2024

Edition: 09 Jun 2024

Accepted: 15 Aug 2024

Published online: 23 Dec 2025

Keywords:

Transparency in Proceedings, Public Proceedings, Freedom of Information, Criminal Law.

Corresponding Author:

Qasem Jafari

Address:

Iran, Tehran, Payame Noor University, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0009-0005-4820-4883

Tel:

02122442034

Email:

qasem.mjafarii@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: Transparency in proceedings, in the sense that all procedures and documentation of judicial opinions should be clear, specific and transparent. Based on this, the aim of this article is to examine the requirements of transparency in judicial proceedings and its challenges in Iranian criminal law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: Publicity of the proceedings, the possibility of publication of the proceedings, freedom of information and the rights of the accused in public proceedings, the presence of the proceedings, orality Proceedings and announcement and public reading of the opinion are the requirements of transparency in criminal proceedings.

Result: transparency in the proceedings of some crimes, such as against the security of the principle of public proceedings and the lawyer's access to the contents of the case, has faced challenges and limitations. In fact, in crimes against security, the investigator can prevent the access of the lawyer to the contents of the case, and also the hearing can be held in private in line with the public order according to the opinion of the judge of the case. It should be noted that public order is a general word that needs to be defined by the legislator.

Cite this article as:

Ghadiri, M; Jafari, Q; Jamshidi Rad, M-S; Abdolapour, A; Pourbafrani, A *The Requirements of Transparency in Proceedings and its Challenges in Iranian Criminal Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



دوره هفتم، شماره ۵، سال ۱۴۰۴

بایسته‌های شفافیت در دادرسی و چالش‌های آن در حقوق کیفری ایران

محمدقدیری^۱، قاسم جعفری^۲، محمدصادق جمشیدی‌راد^۳، اکرم عبدالله‌پور^۴، علیرضا پوربافرانی^۵

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
۳. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
۴. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
۵. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شفافیت در دادرسی به این معنا که باید کلیه مراحل و مستندات آراء قضایی، روشن، مشخص و شفاف باشد، از شروط مقدماتی تحقق عدالت قضایی در جامعه است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی بایسته‌های شفافیت در دادرسی‌های قضایی و چالش‌های آن در در حقوق کیفری ایران است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: علنی بودن جریان دادرسی، امکان انتشار جریان دادرسی، آزادی اطلاع رسانی و حقوق متهم در دادرسی علنی، حضور متهم در جلسه دادرسی، رویارویی متهم با شاکی و گواهان و امکان پرسش از آنان، مشخص بودن هویت کنشگران فرآیند دادرسی کیفری، شفاهی بودن دادرسی و اعلان و قرائت علنی رأی، بایسته‌های شفافیت در دادرسی‌های کیفری هستند.

نتیجه: نتایج نشان داد شفافیت در دادرسی برخی جرائم مانند علیه امنیت اصل علنی بودن دادرسی و دسترسی وکیل به محتویات پرونده با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه شده است. در واقع در جرائم علیه امنیت، بازپرس می‌تواند مانع دسترسی وکیل به محتویات پرونده شود و همچنین جلسه دادرسی می‌تواند با نظر قاضی پرونده، در راستای نظم عمومی به صورت غیرعلنی برگزار شود. لازمه به ذکر است که نظم عمومی واژه کلی است که لازم است مفهوم مورد نظر قانون‌گذار مشخص شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۶۴-۲۵۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

واژگان کلیدی:

شفافیت در دادرسی، دادرسی علنی، آزادی اطلاع رسانی، حقوق کیفری.

نویسنده مسئول:

قاسم جعفری

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام‌نور، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

02122442034

کد ارمک:

0009-0005-4820-4883

پست الکترونیک:

qasem.mjafarii@gmail.com

۱. مقدمه

شفافیت یکی از مسائل مهم فراروی عدالت قضایی است. مساله این است که دادرسی کیفری باید خیلی صریح و شفاف باشد و برای همه مردم قابل دسترس باشد. قضات نیز با صراحت باید رسیدگی و حکم صادر کنند و به صورت شفاف آن را در اختیار افکار عمومی قرار دهند. این ویژگی لازمه عدالت قضایی است. شفافیت در کشور از شفافیت از احکام قضایی آغاز می‌شود. رسیدگی علنی، حضور وکیل در همه مراحل دادرسی، انتشار عمومی احکام در صورت درخواست محکوم و پاسخگویی نسبت به احکام صادره، عناصر اصلی این شفافیت هستند. اگر این چند شرط رعایت شود، می‌توان ادعا کرد که بخش مهمی از هدف شفافیت در کشور محقق خواهد شد. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر از چند جهت است؛ نخست اینکه در سند تحول و تعالی قوه قضاییه بر شفافیت فرایند رسیدگی و آرا صادره از محاکم تاکید شده است. دوم اینکه اعلان، انتشار و دسترس پذیری رأی نیز شاخصی مهم در ارزیابی شفافیت قضایی محسوب می‌گردد. شفافیت در آرای قضایی که مورد نظر این نوشتار است تا حدی اهمیت دارد که سنجش و ارزشیابی کیفیت فرایند دادرسی از حیث تحقیقات مقدماتی، گردآوری ادله جرم توجه به اظهارات بزه دیده و دفاعیات متهم ارزیابی ادله و رسیدن به اقناع وجدانی دادرس و همچنین سنجش کیفیت رأی صادره به ویژه از نظر شیوه نگارش استدلال و توجیه تصمیم اتخاذ شده همه در گرو دسترس پذیری آرای صادره است؛ در واقع رأی به عنوان محصول نهایی فرایند دادرسی تا حد زیادی منعکس کننده عملکرد نهادهای عدالت کیفری ذی‌ربط و کیفیت دادرسی است و اعلان و ابلاغ

آن به اصحاب دعوا و انتشار و دسترس پذیری آن برای جامعه حقوقی و افکار عمومی زمینه را برای ارزیابی عملکرد قوه قضائیه و اعتلای احساس عدالت برای شهروندان فراهم می‌کند.

در خصوص شفافیت در دادرسی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است: ناصر واعظی، جواد خالقیان، و مصطفی السان در مقاله‌ای به بررسی اصول و فواید شفافیت در رسیدگی‌های الکترونیک قضایی با نگاهی به حقوق ایران و آمریکا پرداخته‌اند (واعظی، خالقیان و السان، ۱۴۰۱) همچنین محمدمهدی صالحی طیلو، در مقاله‌ای، شفافیت در رسیدگی به پرونده‌های فساد در محاکم در پرتو دادرسی عادلانه را بررسی کرده است (صالحی طیلو، ۱۴۰۱) مژگان نعمتی نیز در مقاله‌ای، شفافیت قضایی دادگاه‌های کیفری ایران در پرتو اعلان، انتشار و دسترس پذیری آرا را مورد بررسی قرار داده است (نعمتی، ۱۳۹۹) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله، بایسته‌های شفافیت در دادرسی و چالش‌های آن در حقوق کیفری ایران بررسی می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد، سوال مقاله بدین شکل قابل طرح است که بایسته‌های شفافیت در دادرسی و چالش‌های آن در حقوق کیفری ایران چیست؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا بایسته‌های شفافیت در دادرسی و در ادامه از چالش‌ها در این خصوص بحث می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد علنی بودن جریان دادرسی، امکان انتشار جریان دادرسی، آزادی اطلاع رسانی و حقوق متهم در دادرسی علنی، حضور متهم در جلسه دادرسی، رویارویی متهم با شاکی و گواهان و امکان پرسش از آنان، مشخص بودن هویت کنشگران فرآیند دادرسی کیفری، شفاهی بودن دادرسی و اعلان و قرائت علنی رأی بایسته‌های شفافیت در دادرسی‌های قضایی هستند.

۵. بحث

۵-۱. بایسته‌های شفافیت در دادرسی

های قضایی

در این قسمت به بررسی بایسته‌های شفافیت در دادرسی‌های قضایی پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. علنی بودن جریان دادرسی

به استناد تبصره ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک؛ «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است». «رسیدگی علنی به عنوان یک تضمین اساسی برای عادلانه بودن و استقلال روند قضایی است و ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی در نظام قضایی محسوب می‌شود رسیدگی علنی مستلزم برگزاری جلسات به صورت شفاهی در مورد ماهیت پرونده می‌باشد که به صورت علنی بوده و عموم مردم منجمله رسانه‌ها و جراید بتوانند شرکت کنند. دادگاه باید اطلاعاتی در مورد زمان و مکان جلسات در دسترس عموم مردم قرار داده و برای حضور افراد علاقمند با اعمال محدودیت‌های معقول تسهیلات کافی را فراهم کند» (اشرفی؛ طه، ۱۳۹۰، ۱۴۴).

«اعتقاد به این اصل که عدالت باید دیده شود تا جاری گردد. اصلی بنیادین برای نظام‌های حقوقی است. مردم حق حضور در دادگاه را دارند. یکی از تضمینات مهم امنیت قضایی علنی بودن دادرسی است. منظور از علنی بودن جلسه دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند؛ و به اجرای دقیق قوانین بینظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند. برخی حکومت‌ها برای سرکوب مخالفان خود آنها را به میز محاکمه کشانده و محاکمه می‌نمایند» (آخوندی، ۱۳۹۲، ج ۵، ۴۵). «البته ممکن است نتیجه دادگاه به ضرر حکومت باشد که سری بودن محاکمات مانع افشای حقیقت شده و حتی ممکن است که موجب بی اعتمادی به حکومت و انحراف دولت گردد. علنی بودن محاکمات می‌تواند جنبه ارشادی نیز داشته باشد. به این ترتیب که با مشاهده و یا اطلاع از احکام قاطع و عبرت آموز و ترس از عقوبت ترمرد از قوانین و تجاوز به حقوق دیگران را به نحو قابل توجهی تقلیل می‌دهد و در واقع علنی بودن دادرسی مخصوصاً در امور جزائی وسیله‌ای است برای نظارت عمومی بر محاکم و تضمین رعایت حقوق افراد و انجام محاکمه به طور مخفیانه و در اتاق بسته، نگرانی عدم رعایت صحیح قانونی و اجرای تضمینات لازمی برای احقاق حقوق اصحاب دعوا و متهمین را در بر دارند از این رو غیر علنی بودن محاکمات امر استثنایی است» (هاشمی، ۱۳۸۸، ۵۰۲). که در موارد خاص با تصمیم دادگاه امکان پذیر است. اصل علنی بودن دادرسی مانند سایر اصول مهم دادرسی‌های کیفری علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز پیش بینی شده است. در زمینه

ورود مطبوعات به بحث محاکمات قضایی دو ارزش در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. از یک طرف آزادی اطلاع رسانی یعنی این که مردم بتوانند اطلاعات لازم را بویژه درباره پرونده‌هایی داشته باشند که در کشور ما به پرونده‌های ملی معروف شده‌اند. از طرف دیگر بحث حقوق افراد و متهمان مطرح است. اگر قرار باشد جزئیات اتهام و مشخصات فردی درج شود که هنوز محکومیت او قطعی نشده است و چه بسا در نهایت تبرئه شود، همان سابقه در اذهان باقی می‌ماند و تبرئه نهایی تأثیری در پاک کردن ذهنیت منفی مردم نسبت به متهم نخواهد داشت. بنابراین باید به گونه‌ای بین این دو ارزش سازش برقرار کرد. در ماده ۳۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره آن گفته شده است که محاکمات علنی است و طبعا افراد می‌توانند در دادرسی حضور داشته باشند و از وضعیت پرونده مطلع شوند و این، توجه به ارزش اول که همان بحث آزادی بیان و اطلاع رسانی است. انتشار در مطبوعات باعث اطلاع رسانی مسئله در حد گسترده‌ای می‌شود و این بر خلاف حفظ ارزش دوم یعنی حفظ حقوق کسی است که تا وقتی متهم است و محکوم نشده واصل بر براءت اوست، می‌باشد.

برای حل این مسئله، قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برخلاف رویه حاکم بر دادگاه ویژه مطبوعات، حکم علنی بودن محاکم سیاسی و مطبوعاتی را به گونه‌ای انشاء کرده است که دلالت بر اطلاق ندارد و لذا در چارچوب نظام آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در صورت تحقق یکی از علل و موجهات غیرعلنی شدن دادگاه، مندرج در ماده ۳۵۲ این قانون، غیرعلنی کردن دادگاه رسیدگی به جرایم مطبوعات و نیز دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی (پیش بینی شده در

قانون جرم سیاسی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۵) امکان پذیر خواهد بود. اجرای مفاد مادتين ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون مذکور که بر امکان غیرعلنی کردن محاکم سیاسی و مطبوعاتی دلالت می‌کند، نگرش ناصحیح به اصل ۱۶۸ قانون اساسی و رویه ناصواب جاری در نظام قضایی راجع به دادرسی علنی مطلق جرایم مطبوعات را نقطه پایان خواهد گذاشت؛ زیرا سیاق بیان ماده ۳۰۵ این قانون چنان است که لزوم علنی بودن مطلق دادرسی‌های سیاسی و مطبوعات را افاده نمی‌کند و از جمع مفاد این ماده با مفاد ماده ۳۵۲ چنین بر می‌آید که هریک از موجهات غیرعلنی کردن دادرسی (تصریح شده در ماده ۳۵۲ قانون)، همه دعای کیفری از جمله جرایم سیاسی و مطبوعاتی را شامل می‌شود.

۵-۱-۲. انتشار جریان دادرسی

«شفافیت در فرآیند و آراء قضایی در بردارنده حق آزادی رسانه‌ها برای انتشار جریان دادرسی علنی است. اقتضای علنی بودن جلسه‌های دادگاه آن است که هر یک از اعضای جامعه حق داشته باشند در دادگاه حضور یافته و روند رسیدگی را از نزدیک تماشا کنند. ولی بیشتر مردم به دلایل متعدد مانند فاصله مکانی میان محل زندگی خود با دادگاه یا محدود بودن فضای دادگاه برای پذیرش همه علاقمندان، نمی‌توانند به شخصه و از نزدیک جریان محاکمه را پیگیری کنند. بدین جهت، نمایندگان رسانه‌ها در دادگاه حضور یافته و محاکمه را مشاهده و ثبت کرده و برای اطلاع‌رسانی به افراد علاقمند به جریان محاکمه که امکان حضور در دادگاه را نداشته‌اند، منتشر می‌کنند» (نیکویی، ۱۳۸۵، ۲۲۲-۲۲۱). در این باره ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان

کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی این تضمین گفته است که متهم یا وکیل او باید از حق شرکت و دفاع فعال در همه مرحله های تحقیق و رسیدگی بهره مند باشند؛ همچنان که در صورت باور به ناعادلانه بودن محاکمه، از حق اعتراض به دادگاه بهره مندند» (نیکویی، ۱۳۸۵، ۲۲۵).

حق حضور در مرحله تجدید نظرخواهی بستگی به ماهیت آن رسیدگی دارد، اگر دادگاه تجدید نظر صلاحیت تصمیم گیری درباره هم مسائل ماهوی و هم شکلی را داشته باشد، مستلزم حضور متهم است و این امر، منطبق با دادرسی عادلانه است (اشرافی؛ طه، ۱۳۹۰، ۱۹۰). حق حضور در جلسه دادگاه تجدیدنظر در صورتی که وکیل برگزیده متهم نیز بتواند حضور داشته باشد، تحقق یافته است.

۵-۱-۴. رویارویی متهم با شاکی و گواهان و امکان پرسش از آنان

«رویارویی متهم با شاکی و گواهان و پرسش از آنان از این جهت با علنی بودن در ارتباط است که امر رویارویی در حضور مردم سالم تر و شفاف تر صورت می گیرد و امکان انحراف گواهان از حقیقت و عدالت کمتر است؛ زیرا، به واسطه نظارت عمومی حاضران در جلسه، گواهان به راحتی اجازه انحراف از مسیر عدالت را به خود نمی دهند. رویارویی متهم با شاکی و گواهان و پرسش از آنان از جمله حقوق متهم و یکی از مؤلفه های اساسی اصل برابری سلاح ها به شمار می آید. این حق دفاعی متهم مستلزم دو جنبه است: حق دانستن هویت گواهانی که علیه وی گواهی می دهند. حق رویارویی و پرسش از گواهان طرف مقابل و نیز حق دعوت از گواهانی که به نفع وی گواهی می دهند. در بیشتر موارد، تضمین جنبه نخست با تضمین جنبه دوم ملازمه

مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است».

۵-۱-۳. حضور متهم در جلسه دادرسی

«دیگر مؤلفه لازم برای شفافیت در دادرسی این است که متهم در جلسه دادگاه حضور یابد و از دلایل گردآوری شده علیه خود آگاه شود و با توجه به آنها از خود دفاع کند. بر پایه این حق، دادگاه ملزم است که زمان و مکان رسیدگی را در زمانی که متهم یا وکیل او بتوانند در دادرسی حضور یابند، به آنان اطلاع دهد. حداقل فاصله میان ابلاغ احضاریه و جلسه دادگاه در کشورهای مختلف متفاوت است» (باقری؛ صداقتی، ۱۳۹۳، ۱۵۰).

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ایران در مواد ۱۷۱ و ۳۴۳ فاصله میان ابلاغ احضاریه و زمان احضار نباید کمتر از پنج روز باشد. البته، اگر موضوع فوریت داشته باشد، می توان متهم را زودتر احضار کرد (اشرافی؛ طه، ۱۳۹۰، ۱۷۶). بر اساس شق د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه ای نخواهد داشت.

دارد. بر پایه قسمت پنجم از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «متهم حق دارد از گواهانی که علیه وی گواهی داده اند، پرسش کند یا بخواهد که از آنان پرسش شود، همچنان که حق دارد گواهانی که به نفع وی گواهی می‌دهند، با همان شرایط و تسهیلات گواهان مخالف احضار شده و گواهی‌شان شنیده شود». این ماده به طور مشخص بیان می‌کند که مقام پی‌گردد باید متهم را پیش از دادرسی از وجود گواهی که می‌خواهد به دادگاه دعوت کند، آگاه سازد تا متهم بتواند زمان و فرصت کافی برای دفاع از خود داشته باشد. همچنین، متهم حق دارد که هنگام گواهی حضور داشته باشد» (اشرافی؛ طه، ۱۳۸۵، ۱۹۹). «باید یادآور شد که این حق متهم حقی مطلق نیست و در شرایطی محدودیت پذیر است. دادگاه‌های ملی می‌توانند در عین رعایت روح تضمین مورد بحث درباره این مسأله که آیا گواهان به انگیزه کشف حقیقت وارد دعوا شده اند یا خیر، تصمیم بگیرند و در صورت منفی بودن پاسخ، از شنیدن اظهارات آنان و استناد به چنین اظهاراتی خودداری کنند. البته، دادرسان نباید اصل انصاف و برابری سلاح‌ها را نادیده بگیرند» (نیکویی، ۱۳۸۵، ۲۳).

۵-۱-۵. مشخص بودن هویت کنشگران

و شفاهی بودن دادرسی

«هویت افرادی که در فرآیند کیفری شرکت دارند، اعم از متهم، شاکی، دادرس، داستان، اعضای هیأت منصفه و گواهان باید مشخص بوده و برای آگاهی در دسترس عموم قرار گیرد. عدم رعایت این رکن، علنی بودن دادرسی را خدشه‌دار می‌سازد. دادرسان بی‌چهره دادرسانی بودند که برای پنهان ماندن هویت خود از متهم، به دلیل ترس از انتقام جویی وی و امنیت جانی، چهره

خود را می‌پوشاندند و به جای اسم، شماره آنان در همه اسناد دادگاه مورد استفاده قرار می‌گرفت. کمیته حقوق بشر این مسأله را مورد انتقاد شدید قرار داد و اظهار داشت که این سیستم با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازگار نیست و باید برچیده شود» (رزاقی، ۱۳۸۹، ۱۰۷).

«دادرسی شفاهی از دوره دادرسی اتهامی به یادگار مانده است و اکنون نیز در بسیاری از کشورها اجرا می‌شود. این امر آن را باید از لوازم دادرسی ترافعی و علنی دانست. در جلسه دادگاه، باید اظهارات شاکی، مدعی خصوصی، متهم، مطلعان و گواهان به شکل شفاهی شنیده شود. حتی اگر پیش‌تر (در مرحله تحقیقات مقدماتی) این مطالب نوشته شده و در پرونده موجود باشد، دادرس نمی‌تواند با استناد به آن مطالب به انشاء رأی بپردازد، بلکه باید با شنیدن اظهارات طرف‌ها در دادگاه به صدور رأی مبادرت کند. چه بسا طی محاکمه دلایل جدیدی مطرح شود که به کشف حقیقت بیانجامد. برای اجرای شفاهی دادرسی، لازم است که اظهارات شاکی، مدعی خصوصی و وکلای آنان و گواهان و اهل خبره‌ای که مدعی خصوصی یا شاکی معرفی کرده است، شنیده شود، از متهم درباره چگونگی ارتکاب جرم تحقیق به عمل آید؛ دفاعیات متهم، دلایل جدیدی که وی به دادگاه ارائه می‌کند و نیز اظهارات گواهان و مطلعانی که وی معرفی کرده، شنیده شود و امکان نقد اظهارات گواهان طی محاکمه به طرف‌های دعوا» داده شود» (نیکویی، ۱۳۸۵، ۲۳۹). اهمیت اصل شفاهی بودن دادرسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: اظهارات و دفاعیات طرفین دعوا و دلایل و مستندات آنان در معرض دیدن و شنیدن اعضای جامعه که در دادگاه حضور دارند، قرار می‌گیرد.

۵-۱-۶. دسترس پذیری آرای کیفری

شفافیت آرای دادگاههای کیفری به اعلان و قرائت شفاهی آن در پایان رسیدگی محدود نمی‌گردد بلکه مطابق اصل عدالت باز، آرا باید انتشار یافته و در دسترس عموم قرار بگیرد (وورمنز، ۲۰۰۷، ۱۵۸؛ یوان.او.دی.سی، ۲۰۱۱، ۸۸). نظام حقوقی ایران موضع چندان روشنی در این خصوص ندارد. قانون آیین دادرسی کیفری هیچ مقرره‌ای در بر ندارد که به تجویز، الزام و یا ممنوعیت انتشار آرای دادگاههای کیفری بپردازد. اما به موجب ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، «حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در صورتی که موجب اخلاف در نظم و امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود».

در جرائم مندرج در تبصره این ماده نیز چنانچه میزان مال موضوع جرم ارتكابی یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه ملی با یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار الزامی است و منتشر می‌شود. اخیراً ماده ۳۳ آئین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلاف گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۹۶ نیز در تأیید این تبصره مقرر داشته است: «انتشار مفاد حکم محکومیت قطعی با ذکر مشخصات و سمت محکوم علیه با رعایت تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در رسانه ملی و یا روزنامه کثیرالانتشار توسط دادگاه الزامی است».

در عمل، محکومیت قطعی در موارد مذکور غالباً توسط سخنگوی قوه قضائیه و رؤسای کل دادگستری استانها در نشست‌های خبری اعلام می‌شود و اطلاعات انتشار یافته از حکم محکومیت

نیز به اعلام اسامی محکومان و میزان و نوع مجازات تعیین شده محدود می‌شود. اگرچه آیین نامه یاد شده به انتشار مفاد حکم محکومیت اشاره کرده است اما ماده ۳۶ ق.م.ا. و تبصره آن، به انتشار حکم محکومیت تصریح نموده است. اگرچه صرف اعلام اسامی محکومان و مجازات آنها ممکن است کارکردهای کیفرشناختی مورد انتظار از شهیر رسانه‌ای را محقق سازد، اما با انتشار بدین نحو، اولاً قانون به اجرا نرسیده است و ثانیاً اهداف مورد انتظار از شفافیت در انتشار آرای قضایی را محقق نخواهد ساخت زیرا انتشار آرای قضایی علی‌القاعده با هدف معرفی بزهکاران به عموم مردم صورت نمی‌گیرد بلکه به دنبال شفاف سازی تصمیمات قضایی و چگونگی اتخاذ و انشای آن توسط دادرسان انجام می‌پذیرد اگرچه ممکن است هدفی همانند معرفی مفسدان اقتصادی کلان به افکار عمومی را نیز دنبال کند (نعمتی، ۱۳۹۸).

ملاحظه می‌شود که الزام قانونی موضوع ماده ۳۶ ق.م.ا. و تبصره آن اولاً ناظر بر انتشار احکام محکومیت قطعی است و سایر آرای قضایی را در برنمی‌گیرد و ثانیاً جرائم موضوع این الزام نیز محدود به موارد مصرح است. باید حق دسترسی آزاد به آرای دادگاه‌ها را به رسمیت شناخت و ثانیاً به عنوان مقدمه اجرای این حق، قوه قضائیه را مکلف به انتشار آرای قضایی دانست. علاوه بر ظرفیت قانونی یاد شده قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ نیز در ماده ۲۱۱ خود تأکید نموده است: «قوه قضائیه مکلف است تا سال دوم، برنامه ترتیبی اتخاذ نماید که ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص، آرا صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین) در معرض تحلیل و نقد

محدود نیست. در جلسات رسیدگی اعم از علنی و غیر علنی دادگاه مکلف است پس از اعلام ختم دادرسی و انشای رأی، آن را در حضور حاضرین در جلسه و به طور شفاهی قرائت نماید.

در حقوق ایران تنها صراحت قانونی در تکلیف دادگاه به اعلان و قرائت رأی ماده ۴۰۴ ق.آ.د.ک است که مقرر می‌دارد: ... در صورت صدور رأی در همان جلسه بلافاصله جلسه علنی دادگاه با حضور متهم یا وکیل او و دادستان یا نماینده او و شاکی تشکیل و رأی توسط منشی دادگاه با صدای رسا قرائت و مفاد آن توسط رئیس دادگاه به متهم تفهیم می‌شود.... از آنجا که این الزام در قوانین پیشین دادرسی کیفری ایران سابقه‌ای نداشت. و از سوی دیگر علاوه بر قرائت شفاهی رأی به لزوم تفهیم مفاد رأی به متهم تصریح نموده است لذا گامی رو به جلو تلقی می‌شود. لیکن باید توجه داشت که این ماده ذیل فصل چهارم از بخش سوم قانون آیین دادرسی کیفری قرار گرفته است و لذا دامنه این الزام قانونی ظاهراً به دادگاه کیفری یک محدود می‌شود و به همین دلیل نیز مورد انتقاد برخی حقوقدانان قرار گرفته است (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۸۳). اما نباید فراموش کرد که با توجه به تبصره ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک دادگاه انقلاب نیز در مواردی که با تعدد دادرس رسیدگی می‌نماید، تابع تشریفات دادرسی دادگاه کیفری یک بوده و در نتیجه به قرائت شفاهی رأی الزام قانونی دارد.

به نظر نگارندگان اعلان شفاهی رأی در دادگاه نیز فارغ از محدودیت نیست مهیا نمودن دادگاه و پرونده برای انشای رأی در همان جلسه یکی از محدودیت‌های اصلی اعلان رأی است. در حقوق ایران نیز به موجب مواد ۳۷۴ و ۴۰۴ ق.آ.د.ک

صاحب نظران و متخصصان قرار گیرد». به دنبال این تکلیف قانونی اقدامات مناسبی از سوی قوه قضائیه در جهت دسترسی عمومی به آرا اقداماتی از جمله چاپ کتب مجموعه آرای قضایی و راه‌اندازی سامانه آنلاین بانک داده آرای پژوهشگاه قوه قضائیه اشاره داشت.

۵-۱-۷. اعلان و قرائت علنی رأی

هدف اصلی از حق صدور احکام در دادگاه‌های علنی، تضمین این امر است که اجرای عدالت علنی و عمومی باشد و مذاقه و مشاهده آزاد باشد. بنابراین حق صدور احکام علنی از جانب هر کسی می‌تواند درخواست شود، حتی افرادی که طرفین دعوا نیستند. زمانی صدور حکم علنی است که شفاها در جلسه علنی دادگاه قرائت شود یا حکم کتبی انتشار یابد، حق صدور حکم علنی در صورتی نقض می‌شود که احکام صرفاً قابل دسترسی برای افراد مشخصی باشد یا به افرادی که نفع خاصی در پرونده دارند فقط اجازه بررسی حکم داده شود. اما در صورتی که در جلسه علنی، حکم در دادگاه با صدای بلند قرائت نشود، طرفین دعوا رأی را دریافت کنند و حکم در دادگاه بایگانی شود و دسترسی برای هر فردی که بتواند نفعی را ثابت کند، محدود باشد هیچ گونه تضمین در شفافیت دادرسی وجود نخواهد داشت (اشرافی؛ طه، ۱۳۹۰، ۲۰۸).

اولین اقدام دادگاه در شفاف سازی تصمیمی که اتخاذ نموده است اعلان عمومی رأی و قرائت شفاهی آن پس از ختم رسیدگی است. اگرچه بسیاری از حقوقدانان اعلان رأی را نتیجه اصل دادرسی علنی دانسته‌اند (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۰۵؛ نیکوئی، ۱۳۸۵، ۲۳۷). اما نگارنده بر این باور است که اعلان رأی از اصل شفافیت دادرسی نشأت می‌گیرد و به دادرسی علنی

دادگاه مجاز است رأی خود را ظرف مهلت هفت روزه از ختم رسیدگی انشا نماید. طبیعتاً در چنین فرضی اعلان رأی نیز منتفی است اما باید توجه داشت که اصل بر انشای رأی در همان روز است و توسعه بی جهت موارد انشای رأی در مهلت پذیرفتنی نیست. قانونگذار نیز با تصریح به در صورت عدم امکان و با تأکید بر اولین فرصت، بر این ضرورت صحه گذاشته است.

تبصره ماده ۴۰۴ ق.آ.د.ک بیان نموده است پس از ختم رسیدگی چنانچه نظر به صدور رأی در همان جلسه باشد، اعضای دادگاه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند. این حکم در مورد اعضای هیأت منصفه نیز جاری است.» از عبارت جلسه علنی نباید تصور نمود که اعلان و قرائت شفاهی رأی صرفاً در دادرسی‌های علتی الزامی است. بلکه منظور قانونگذار در تبصره مزبور علنی بودن جلسه هنگام قرائت رأی است و به تصریح ذیل ماده ۴۰۴ این قانون، بلافاصله جلسه علنی دادگاه با حضور متهم یا وکیل او و دادستان یا نماینده او و شاکی به منظور قرائت رأی تشکیل می‌گردد. لذا در فرضی که جلسه رسیدگی دادگاه بنا بر ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک غیر علنی برگزار می‌گردد، نیز رأی صادره در پایان جلسه، بصورت علنی و شفاهی در حضور نامبردگان توسط منشی دادگاه قرائت می‌گردد.

۵-۲. چالش‌ها

در این قسمت به بررسی چالش‌های شفافیت در دادرسی در حقوق کیفری ایران بررسی می‌شود.

۵-۲-۱. محدودیت در دادرسی علنی

« قانون اساسی با در نظر گرفتن پاره‌ای ملاحظات قابل قبول، بر علنی بودن محاکمات استثنائاتی وارد نموده است. یکی از موارد استثناء بر دادرسی

علنی به موجب اصل ۱۶۵، نظم عمومی است. نظم عمومی مدلول مقرراتی است که در آن، ذات، حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه باید مورد حمایت جدی قرار گیرد و در صورت برهم خوردن آن‌ها، وجدان جامعه جریحه دار می‌شود. با توجه به این تعریف، دریافت می‌شود که مفهوم نظم عمومی مفهومی کلی است» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۷۱۱)؛ «زیرا وقوع هر جرمی به نظم عمومی لطمه وارد می‌کند و در نتیجه قاضی می‌تواند به عذر اینکه بر پایی علنی محاکمه در جرمی خاص منافی نظم عمومی است دادگاه را به صورت غیرعلنی برگزار کند. پس برای جلوگیری از تضییع حقوق طرفین دعوا، قانونگذار عادی باید ملاک و معیار مشخص و دقیقی برای نظم عمومی مشخص نماید. به نظر می‌رسد در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری از مصادیق امنیت عمومی برای تبیین حدود و ثغور نظم عمومی استفاده کرده است. با این حال مقنن نه تنها ابهام را رفع نکرده بلکه قلمروی آن را به احساسات مذهبی گسترش داده است. امنیت عمومی و احساسات مذهبی اصطلاحاتی کلی هستند و در خصوص هر پرونده ممکن است ابعاد متفاوتی داشته باشند» (خالقی، ۱۳۹۳، ۴۷). باینکه احراز شرایط غیرعلنی بودن محاکمه، امری موضوعی و موکول به تشخیص قاضی است، اما اهمیت و جایگاه والای اصل علنی بودن دادرسی - که در قانون اساسی کشورمان مورد تأکید قرار گرفته است - ایجاب می‌کند که نقض و محدود ساختن آن، کاملاً جنبه استثنایی داشته و تمسک قاضی به این استثنا نیز قابل کنترل باشد (خالقی، ۱۳۸۸، ۴۹-۲۹). بنابراین بهتر بود، قضات، ملزم به صدور قرار غیرعلنی بودن و توجیه قانونی آن می‌شدند و افراد، این حق و فرصت را پیدا می‌کردند که با

به لزوم علنی بودن محاکمات، عمل برخلاف آن، خلاف صریح قانون بوده و مشمول ماده ۸۲۸ خواهد بود.

۵-۲-۲. محدودیت متهم در دسترسی

به محتویات پرونده

طبق ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، «شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رئیس دادگاه، به هزینه خود از اوراق موردنیاز، تصویر تهیه کنند». با این وجود، وفق تبصره ذیل این ماده؛ «دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی‌شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است». برابر ماده ۱۹۱ این قانون «چنان‌چه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد، یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت، منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل‌اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده، به اعتراض رسیدگی کند و تصمیم‌گیری کند». ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار بدون هیچ‌گونه محدودیتی، اخذ رونوشت و یا روگرفت از اوراق و مندرجات پرونده را پذیرفته است «لیکن در ادامه با وضع تبصره که به موجب آن مقرر گشته است دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است، سه دسته از اسناد و اوراق را از شمول حکم مندرج در

اعتراض به آن قرار، دادرسی را متوقف کرده یا روند دادرسی را نقض کنند تا قضات به‌راحتی نتوانند جلسه دادرسی را غیرعلنی اعلام کنند. مجدداً اضافه می‌گردد با اجرایی شدن قانون جدید این مانع برطرف می‌شود. به نظر می‌رسد مواد ۵۷۰(۸۰۱) و ۵۹۷(۸۲۸) قانون جدید مجازات اسلامی، نیز می‌تواند به‌عنوان نوعی ضمانت اجرایی این اصل تلقی شود. در ماده ۵۷۰(۸۰۱) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، آمده است: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، محروم نماید؛ علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال، محکوم خواهد شد». در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، هم آمده است: «هر یک از مقامات قضائی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و باوجوداینکه رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون، رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده، نیز محکوم خواهد شد». استدلال این است که اصل علنی بودن دادرسی‌ها یکی از حقوق مقرر در قانون اساسی است و برگزاری غیرعلنی محاکمات، در غیر مواردی که قانون اجازه دادرسی غیرعلنی را داده است مشمول آن ماده خواهد بود. از طرف دیگر، به دلیل تصریح قوانین

ماده مستثنی نموده است» (محمدی‌زاده کرمانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ۵).

«با عنایت به ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مذکور، متهم علی‌الاصول حق دسترسی و مطالعه اوراق پرونده کیفری را دارد، لیکن چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده، اسناد یا مدارک موجود در پرونده کیفری را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند یا موضوع پرونده، از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به اوراق پرونده را صادر نماید» (ساقیان، ۱۳۹۳، ۱۳۶-۱۱۳). بنابراین به‌جز در مواردی که موضوع مربوط به امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد و یا دسترسی به اوراق پرونده منافی با کشف حقیقت باشد، آن‌هم در مواردی که بازپرس، با ذکر دلیل موجه، قرار عدم دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده کیفری را صادر نماید، متهم و یا وکیل وی، حق مطالعه پرونده و دسترسی به اوراق پرونده کیفری را خواهند داشت. «حق دسترسی متهم و وکیل او به صراحت در ماده ۱۹۱ اعلام نشده است ولی با توجه به این‌که در این ماده قرار عدم دسترسی به پرونده توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده است پس معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار آن را ممنوع نماید» (مهاجری، ۱۳۹۹، ج ۲، ۱۴۳).

«حق دسترسی متهم و وکیل او در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت بیان نشده ولی با توجه به این‌که در این ماده قرار عدم دسترسی توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده پس به دلالت التزامی معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده

برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار آن را ممنوع کند دو حق متهم و وکیل او مطالعه و دسترسی به اوراق اسناد و مدارک پرونده است اصولاً مطالعه اوراق پرونده مستلزم دسترسی به آن‌هاست ولی با تفکیک صورت گرفته در قسمت اول متن ماده که طبق آن بازپرس می‌تواند یا مطالعه آن اوراق یا دسترسی به آن را ممنوع سازد معلوم می‌شود که دسترسی یعنی در اختیار داشتن بنابراین مانعی ندارد که متهم یا وکیل او بتواند و هزینه خود از اوراق پرونده کپی بگیرد و رونوشت داشته باشد» (ساقیان، ۱۳۹۳، ۱۳۶-۱۱۳).

در خصوص حق متهم در دسترسی به محتویات پرونده چند نکته مهم است:

۱) «در سه مورد متهم و وکیل او را از مطالعه و دسترسی به پرونده ممنوع سازد؛ طبق تبصره ۳ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و سایر پرونده‌ها چنانچه مطالعه یا در رسیدگی به پرونده منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد در این موارد ممنوعیت دسترسی به پرونده منافاتی با ضرورت کشف حقیقت باشد در این موارد ممنوعیت دسترسی به پرونده باید با صدور قرار موجه و مستدل از سوی بازپرس صورت گیرد ضمن این‌که در دو مورد اول هیچ قیدی نداشته و بازپرس و فقط مکلف به استدلال در جهت منافی کشف کردن جرم یا برضد امنیت داخلی یا خارجی بودن آن است. بدیهی است که دفاع از متهم بدون دسترسی به پرونده امری دشوار و ضربه‌ای بزرگ به حق دفاع محسوب می‌شود در صورت صدور قرار عدم دسترسی به پرونده این ممنوعیت فقط تا پایان مرحله تحقیقات مقدماتی خواهد بود

و با ارسال پرونده به دادگاه این امر مرتفع می‌شود» (خالقی، ۱۳۹۳، ۱۵۶-۱۵۵).

۲) طبق نظر برخی از حقوقدانان (خالقی، ۱۳۹۳، ۳۸۰-۳۷۸)؛ در مورد ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری قرار عدم دسترسی به پرونده تصمیمی است که به موجب آن دسترسی متهم به تمام یا بعضی از اوراق پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی اعلام می‌شود که به عنوان تصمیم محدودکننده برای متهم اوراق پرونده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصل بر آن دانسته شده است که متهم حق دارد تمام یا بعضی از مدارک پرونده را در مرحله تحقیقات مقدماتی ملاحظه کند و حق دسترسی به آن‌ها را برای او آزاد دانسته و اگر بازپرس بخواهد این حق را از او سلب کند که باید قرار عدم دسترسی صادر کند و متهم نیز می‌تواند به این تصمیم بازپرس اعتراض کند اصل غیرترافی بودن تحقیقات مقدماتی یکی از اصول آیین دادرسی کیفری ایران مطرح شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳) قرار عدم دسترسی به پرونده تصمیمی است که به موجب آن ممنوعیت دسترسی متهم به تمام یا بعضی از اوراق پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی اعلام می‌شود و این قرار موجب محدود شدن دسترسی متهم به پرونده بوده و محدود کردن شاکی برای دسترسی به برخی اوراق مستلزم صدور قرار عدم دسترسی نخواهد بود، بلکه موجب صدور قرار رد درخواست شاکی است، قرار عدم دسترسی به پرونده به عنوان تصمیم محدودکننده مراجعه متهم به اوراق پرونده، درخصوص مرحله تحقیقات مقدماتی است و

تفاوتی نمی‌کند که چه مرجعی متکفل انجام مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی باشد. در جرائمی که مستقیماً جهت رسیدگی در دادگاه مطرح می‌گردد و در جرائمی که دادگاه عمومی بخش موضوع تحقیقات مقدماتی قرار می‌گیرند نیز قرار عدم دسترسی به پرونده قابلیت صدور دارد. اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه مشورتی ۷/۹۴/۱۵-۴/۱۵-۱۳۹۴ در خصوص موضوع اعلام داشته است: «مقررات مذکور در مواد ۱۰۰ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری» در دادگاه‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باید مورد رعایت قرار گیرد. نکته اساسی این است که در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به کلمه بازپرس اشاره کرده است و قید نموده که بازپرس می‌تواند چنین قرار را صادر کند.

۴) در تبصره یک ماده ۱۰۰ و ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشخص نشده است که مدت عدم دسترسی شاکی یا متهم به اوراق پرونده تا چه زمانی است؟ پاسخ این است که وقتی اصل صدور قرار از اختیارات بازپرس است، بدیهی است مدت عدم دسترسی نیز به اختیار اوست استدلال دیگر این که جهت توجیه قرار عدم دسترسی یا رد درخواست شاکی منحصراً امنیتی یا منافی عفت بودن جرم موضوع رسیدگی و در سایر جرائم منافات داشتن دسترسی با ضرورت کشف حقیقت است، بنابراین در هر زمان که تنافی از بین برود، موجب دسترسی شاکی یا متهم به پرونده خواهد بود نتیجه این که بازپرس نمی‌تواند غایتی غیر از کشف حقیقت برای دسترسی به پرونده قرار دهد.

۵) پیش‌بینی قرار عدم دسترسی به پرونده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را باید

نشانه حرکت قانون‌گذار از سیستم تفتیشی به‌سوی سیستم اتهامی دانست. در رسیدگی تفتیشی، اصل عدم امکان دسترسی متهم به دلایل و تحقیقات انجام‌شده به منظور جلوگیری از بی‌اثر شدن تحقیقات مقدماتی است اما پس از آن‌که دلایل و مدارک و تحقیقات کامل شد با صدور کیفرخواست و طرح پرونده در دادگاه هریک از طرفین ازجمله متهم می‌تواند با مراجعه به دفتر دادگاه پرونده را مطالعه کند؛ یعنی در سیستم اتهامی که مبنای رسیدگی دادگاه است حق طرفین در مطالعه پرونده یکسان است. در قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر آن دانسته شده که متهم حق دارد تمام یا برخی از مدارک پرونده را در مرحله تحقیقات مقدماتی ملاحظه کند و چنان‌چه بازپرس بخواهد این حق را از او سلب کند باید قرار عدم دسترسی صادر کند و متهم نیز می‌تواند به این تصمیم بازپرس اعتراض کند.

اما مواد ۱۰۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری، حرکت قانون‌گذار را به سمت تساوی سلاح‌ها و ترافعی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی نشان می‌دهد دلیل این تساوی نیز تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری است که بر مبنای آن‌چه درخواست شاکی برای مطالعه پرونده و دسترسی به مدارک آن منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد، بازپرس قرار رد درخواست شاکی را صادر می‌کند که شاکی ظرف ۳ روز می‌تواند به آن اعتراض کند با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری یکسانی حقوق شاکی و متهم در دسترسی به پرونده سیاست قانون‌گذار قرار گرفته است.

۶) انتقادی که به مواد ۳۵۱ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ وارد می‌باشد این است که قانون‌گذار این اختیار را به مقام قضایی داده که در صورتی که مطالعه یا دسترسی به اوراق پرونده را منافی با کشف حقیقت بداند، قرار رد درخواست مطالعه را صادر کند که این امر باعث می‌شود که قضات سلیقه‌ای عمل کنند و دسترسی و مطالعه هر پرونده‌ای را که می‌خواهند، با بهانه منافی بودن با کشف حقیقت، ممنوع کنند و همچنین تبصره ۲ ماده مذکور و ماده ۱۹۱ به‌صورت کلی ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی‌شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی را به شاکی و متهم یا وکیل آن‌ها ممنوع اعلام کرده است. این در حالی می‌باشد که تعریف خاصی از اسناد طبقه‌بندی شده در قانون وجود ندارد و هر سندی می‌تواند در این قالب قرار گیرد، همچنین جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی طیف وسیعی از جرائم را شامل می‌شود که این خود دست قاضی را باز گذارده تا بتواند اکثر جرائم را در قالب این تبصره قرار دهد و دسترسی به اوراق پرونده را ممنوع کند، بنابراین تبصره مذکور فساد آور بوده و زمینه سوءاستفاده قضات را از قانون فراهم آورده است که باید به‌نحوی که تأمین‌کننده حق دفاع طرفین دعوی باشد توسط قانون‌گذار تغییر داده شود (سفیدپری، ۱۳۹۳، ۴۲-۴۱).

یکی دیگر از ابعاد قرار عدم دسترسی به پرونده که زوایای مبهمی دارد، محدوده زمانی آن است. در همین راستا از اداره کل حقوقی قوه قضاییه سؤال شده است: آیا قرار عدم دسترسی را که در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده است، می‌توان تا پایان تحقیقات در دادسرا صادر نمود؟ یا این که باید

مقید به زمان معین مثلاً یک هفته یا یک ماه باشد؟ این اداره به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۷۷۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۳۱ در پاسخ اعلام داشته است: صرف نظر از این که صدور قرار «عدم دسترسی به اوراق پرونده و مدارک منضم به آن» از ناحیه بازپرس به نحوی که در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده، قابل اعتراض از ناحیه ذی نفع می‌باشد، لکن از اطلاق ماده، استنباط می‌گردد که این قرار مقید به زمان محدود نمی‌باشد و تا تکمیل تحقیقات ادامه خواهد داشت.

۶. نتیجه

در مقاله حاضر به بررسی این پرسش پرداخته شد که بایسته‌های شفافیت در دادرسی و چالش‌های آن در حقوق کیفری ایران چیست؟ نتایج بررسی‌ها نشان داد که علنی بودن جریان دادرسی، امکان انتشار جریان دادرسی، آزادی اطلاع رسانی و حقوق متهم در دادرسی علنی، حضور متهم در جلسه دادرسی، رویارویی متهم با شاکی و گواهان و امکان پرسش از آنان، مشخص بودن هویت کنشگران فرآیند دادرسی کیفری، شفاهی بودن دادرسی و اعلان و قرائت علنی رأی بایسته‌های شفافیت در دادرسی‌های قضایی هستند. محدودیتهایی ناظر بر حق دسترسی و انتشار عمومی آرای قضایی است. برخلاف اعلان شفاهی رأی که به طور علنی فاقد محدودیت و بدون حذف مشخصات افراد در پایان جلسه رسیدگی توسط منشی دادگاه قرائت می‌شود در انتشار عمومی آرای کیفری مشخصات هویتی، افراد داده‌های ناظر بر حریم خصوصی، ملاحظات اخلاقی و همچنین اسرار دولتی و تجاری از متن رأی حذف می‌گردد. با این حال باید توجه داشت که اگرچه محدودیتهای پیش گفته توجیه‌پذیر

است لیکن عدم پیش بینی چارچوب و موازین قانونی لازم عملاً محدودیتهای توجیه‌پذیر را به مصلحت سنجی‌های بی‌ضابطه و برخوردهای سلیقه‌ای و سیاسی سوق خواهد داد. دادرسی علنی و حق دسترسی وکیل و متهم به محتویات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی از جمله این محدودیت‌هاست. مطابق اصل یک‌صد و شصت و پنجم قانون اساسی، علنی بودن دادرسی با محدودیت‌هایی مواجه است. جرائم علیه نظم عمومی از جمله این جرائم است. در این موارد، علنی بودن محاکمات فقط گاهی با امنیت عمومی منافات دارد، بدین معنی که طرح و رسیدگی به بعضی از مسائل در دادگاه در انظار عمومی موجب افشای موضوعاتی می‌شود که سری بودن آن، برای حفظ امنیت، ضرورت اجتناب‌ناپذیر داشته باشد (نظیر رسیدگی به جرائم جاسوسی، نظامی و براندازی). علاوه براین، در حقوق ایران حق مطالعه پرونده برای متهم و وکیل و دسترسی به آن پذیرفته شده است. این حق اما با محدودیت‌هایی مواجه است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- اشرافی، لیلا؛ طه، فریده، دادرسی عادلانه، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.

- باقری، یوسف؛ صداقتی، سهام، «شاخصه‌های رأی قوی و متقن»، مجله قضاوت، شماره هفتاد و نه، ۱۳۹۳.
- حاجی پور، علی؛ هاشمی، سیدمحمد؛ یآوری، اسداله؛ جلالی، محمد، «تأملی در موانع تحقق اصل علنی بودن دادرسی‌ها در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره چهار، ۱۳۹۸.
- حاجی پور، علی؛ هاشمی، سیدمحمد؛ یآوری، اسداله؛ جلالی، محمد؛ «تأملی در موانع تحقق اصل علنی بودن دادرسی‌ها در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره چهار، ۱۳۹۸.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳.
- خالقی، علی، «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره پنج، ۱۳۸۸.
- رزاقی، کیانوش، «استانداردهای دادرسی در اسناد بین المللی و نظام قضایی ایران»، ماهنامه کانون، شماره یکصد و پنج، ۱۳۸۹.
- ساقیان، محمدمه‌دی، «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، نشریه پژوهش‌های حقوق کیفری، شماره شش، ۱۳۹۳.
- سفید پری، پریسا، «ضرورت اهتمام دستگاه قضا به رعایت حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی با تاکید بر حق دسترسی به پرونده- رعایت حقوق متهم-تضمین کننده عدالت قضائی»، مجله شهر قانون، شماره ده، ۱۳۹۳.
- صالحی طیب‌لو، محمدمه‌دی، «شفافیت در رسیدگی به پرونده‌های فساد در محاکم در پرتو دادرسی عادلانه»، اولین همایش ملی ارتقای شفافیت و نقش آن در سلامت اداری و مبارزه با فساد، تهران، ۱۴۰۱.
- محمدی زاده کرمانی نژاد، مجتبی؛ بوستانی فرشتی، زینب؛ شکری پور، یاسر، «روند حق دسترسی به اوراق پرونده، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، مراغه، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، ۱۳۹۴.
- مهاجری، علی، قانون آیین دادرسی کیفری - دردادسرا، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات فکر سازان، ۱۳۹۹.
- نعمتی، مژگان، «کیفیت عدالت در دادگاه‌های کیفری ایران با تاکید بر شاخص‌های پاسخگویی و شفافیت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد محمد جعفر حبیب زاده، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۸.
- نعمتی، مژگان، «شفافیت قضایی دادگاه‌های کیفری ایران در پرتو اعلان، انتشار و دسترسی پذیری آرا»، ششمین همایش چالش‌های مدیریت قضایی و دادرسی در قوه قضائیه، میبد، ۱۳۹۹.
- نیکویی، سمیه، «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره پنجاه و شش و پنجاه و هفت، ۱۳۸۵.
- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- هاشمی، محمد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۸.
- واعظی، ناصر؛ خالقیان، جواد؛ نویسنده مسئول: السان، مصطفی، «اصول و فواید شفافیت در رسیدگی‌های الکترونیک قضایی با نگاهی به حقوق ایران و آمریکا»، مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره بیست و هفتم، بهمن ۱۴۰۱.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی